

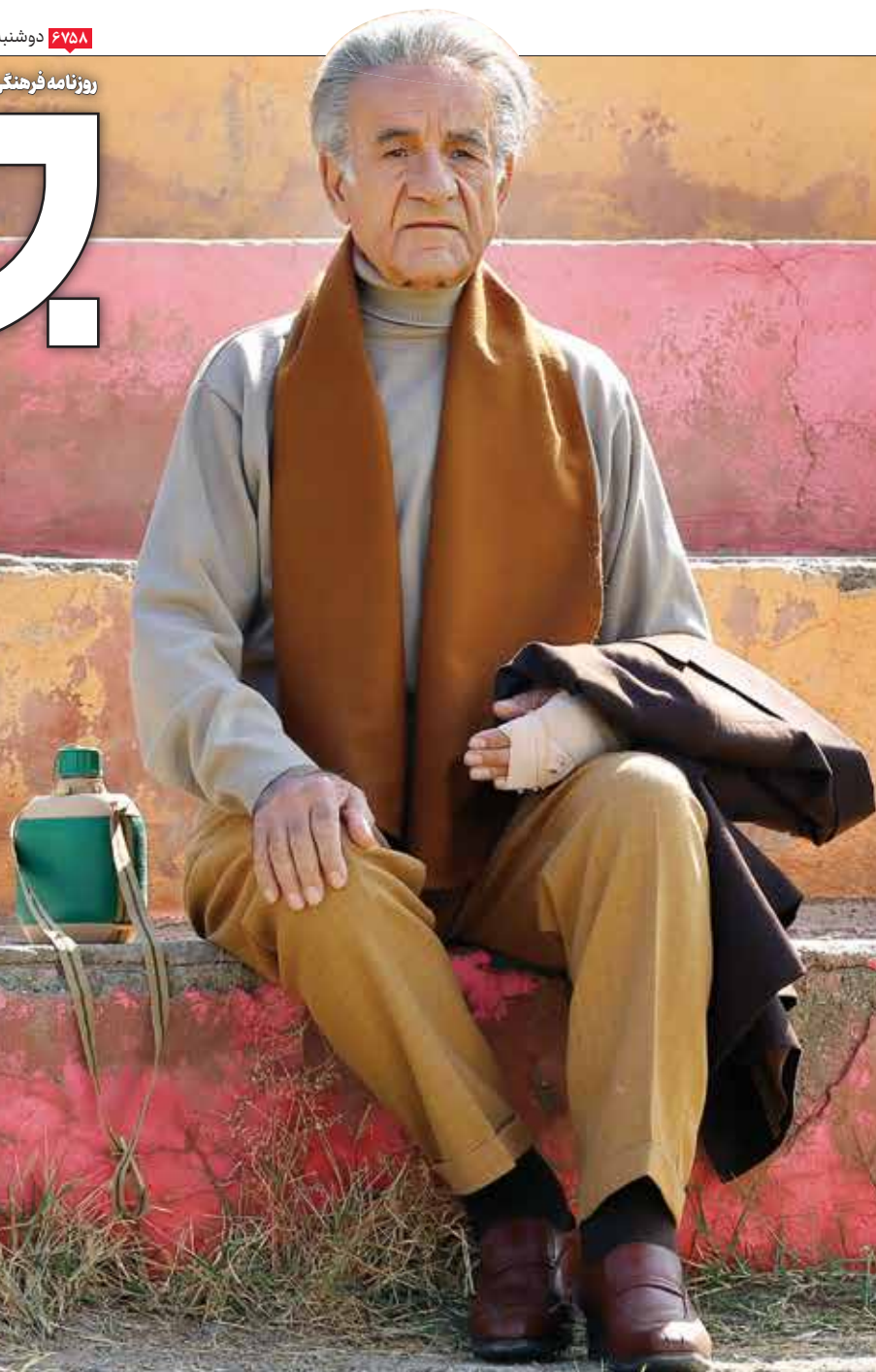
صبح ایران

فرهنگی، اجتماعی، ورزشی ویژه

در گفت‌وگوی «جام جم» با کارگردان و بازیگران «پرویزخان» بررسی شد

کودتا علیه معلم اخلاق

۸ صفحه



گفت‌وگو با جوانی تهرانی که ۵ سال است در منزلش روزه آل... برقرار است

روضة خانگی کلید قفل‌های سخت

۱۱۰



گزارش «جام جم» از سریال تازه شبکه یک سیما

رخنه به قلب دشمن

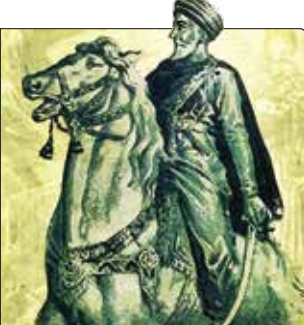
۶۰



گفت‌وگو با دکتر احسان جندقی، عضو هیأت علمی گروه عرفان اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب

حمله مشکوک به عصر طلایی تمدن اسلامی

۱۰۰



یادداشت

رسانه ملی و حضور حداکثری مردم در انتخابات



محمد باقر املی
مدیر شبکه تهران

مجلس شورای اسلامی، در نظام جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه و والایی برخوردار است و محور بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها، قانون‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هاست. مجلس به عنوان خانه ملت، چراغ هدایت دولت و ملت را به دست دارد و پایگاه اساسی نظام و مردم است. مجلس قوام حضور و مشارکت واقعی ملت در تصمیم‌گیری‌هاست و مظهر اراده ملی به شمار می‌رود.

رسانه ملی طی چند ماه بسترسازی و برنامه‌ریزی برای تولید برنامه‌های تبلیغاتی و مناظره‌های دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در دور اول انتخابات با برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی، فنی و نیروی انسانی اقدام به ایجاد ۲۰۰ کانال تلویزیونی (به تعداد حوزه‌های انتخابیه) کرد که بحق اقدامی بی‌نظیر در جهت تحقق چهار راهبرد مهم رقابت، مشارکت، امنیت و سلامت بود. مردم شریف ایران اسلامی نیز در این آزمون سرنوشت‌ساز سربلند بیرون آمدند و با تدبیر و اقدام مومنانانه نقشه‌های شوم معاندین را خنثی کردند. در دور اول انتخابات، ۱۴ نماینده جدید تهران در مجلس شورای اسلامی توسط مردم انتخاب شدند و ۱۶ کرسی برای رقابت بین نامزدهای حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس و همچنین یک کرسی در حوزه انتخابیه ورامین، قرچک و پیشوا برای انتخاب نماینده مردم شریف این حوزه به دور دوم کشیده شد که طبق قانون انتخابات براساس آرای مأخوذه دوبرابر کرسی‌ها در دور دوم با هم رقابت خواهند کرد.

رسانه ملی و به‌ویژه شبکه تهران تلاش می‌کند همانند دور اول انتخابات، برای دور دوم، فضای رقابتی عادلانه را ایجاد کند. بنابراین در راستای عدالت رسانه‌ای در امر تبلیغات تلویزیونی، ۲۴ برنامه تلویزیونی ۲۰ دقیقه‌ای با عنوان «نماینده مردم» برای نامزدهای دور دوم مجلس شورای اسلامی تهیه و تولید شده است. این برنامه‌ها کاملاً به صورت رایگان ضبط شده و نامزدها به ۱۶ سؤال مرتبط با حوزه انتخابیه پاسخ می‌دهند و در موعد مقرر تبلیغات انتخابات (هفته جاری) از شبکه تهران سیما و شبکه رادیویی تهران روی آنتن می‌رود.

همچنین با توجه به جذابیت برنامه‌های مناظره‌ای در ادوار مختلف انتخابات در دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی، هشت مناظره برای نامزدهای تهرانی (تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس) و سه مناظره برای نامزدهای ورامین، قرچک و پیشوا تهیه و تولید شده و مطابق جدولی که در قرعه‌کشی ضبط برنامه‌های انتخاباتی طراحی شده پخش خواهد شد. همچنین با تمهیدات وزارت کشور و استانداری تهران این دوره از انتخابات در تهران به‌صورت الکترونیکی برگزار می‌شود تا زمینه‌ساز برگزاری انتخابات کاملاً الکترونیکی در سراسر کشور باشد.

برگزاری انتخابات به این روش از چند بعد حائز اهمیت است؛ در گام اول هزینه‌های انتخاباتی کاهش و از سوی دیگر دقت و سرعت عمل فرآیند انتخابات و شمارش آرا افزایش می‌یابد. در این خصوص نیز تلاش می‌شود با دعوت از مسئولان مربوط و تهیه میان‌برنامه‌های کوتاه این شیوه‌نویس برای مردم تشریح و تبیین شود. امید است تلاش بخش‌های مختلف رسانه ملی از حوزه‌های تولیدی، فنی، خبری و ... در راستای عدالت رسانه‌ای و ایجاد بصیرت ملی به انتخاب اصلح توسط مردم عزیز منجر شود.

گفت‌وگو

رئیس رسانه ملی:

ساخت ادامه سریال‌های موفق در دستور کار است



امسال دو مجموعه تلویزیونی موسی (ع) و سلمان فارسی براساس زیرساخت‌ها و تجهیزات تولید مجازی در تراز روز دنیا قرار گیرند. به نظر می‌رسد تولید مجموعه‌های فاخر الف ویژه اگر بخواهد با شکل فعلی ادامه یابد، هم به لحاظ هزینه و هم به لحاظ زمان تولید چندان به صرفه نباشد؛ لذا ما توسعه فناوری جدید «تولید مجازی» را هدف قرار داده‌ایم. وی ادامه داد: در حال حاضر فصل یک سریال سلمان فارسی در خاک ایران از سال گذشته شروع شده و با همان برنامه‌ریزی که پیش‌بینی شده در حال پیش‌روی است و شاهد حضور مجدد عوامل و بازیگران و برنامه‌سازی در شهرک غزالی صداوسیما هستیم.

به گفته رئیس سازمان صداوسیما، سریال سلمان فارسی در سه فصل ساخته می‌شود؛ فصل دوم آن که مربوط به ییزانس بوده، به اتمام رسیده و در حال حاضر فصل ایران در حال تصویربرداری است و فصل پایانی هم که مربوط به بخش حجاز است، بعد از این‌که فصل ایران به مراحل وسط یا پایانی برسد، مراحل پیش‌تولید فصل حجاز آغاز می‌شود.

روند سنتی تولید سریال‌های تاریخی تغییر کرد

رئیس سازمان صداوسیما گفت: امیدواریم

سراب کهنه در کمین هنرمندان



محمدتقی فهمی
منتقد و نویسنده

موارد این آیدمی طی دو سال گذشته اشکان خطیبی و ارژنگ امیرفضلی هستند که از جمع مهاجران متاخر، صداقت به خرج داده و درون خود را بیرون ریخته‌اند تا شاید افشاکری‌شان باعث و بانی هوشیاری جوانان و هنرمندان دیگری بشود. خطیبی پس از شکست مفتضخانه تئاتر چند ماه تمرین‌کرده آنها تحت عنوان «خانه امن» در نیویورک، اسیر افسردگی شد. او که تحت درمان است، می‌گوید: «هر روز که بیدار می‌شوم با مشکلات متعددی دست به گریبانم» و ضمن مقایسه وضعیت خود در ایتالیا و ایران (که اینجا پادشاهی می‌کرده است) تلویحا به قول معروف عامیانه متوسل می‌شود که «خودم کردم کم لغت بر خودم یاد». خطیبی که از میان سینمایی‌های مهاجر غالباً سطحی و مبتذل، در زمره بازیگران و مدیران فرهنگی خلاق و موفق شناخته می‌شد، حالا پس از مواجهه با واقعیت‌های حاکم بر اوضاع اجتماعی اروپا، صراحتاً ابراز می‌دارد: «نمی‌توانم جسم و ذهنم را برای کارکردن آماده کنم. باید در این فکر باشم که شغل دیگری در کنار کارم انتخاب کنم. به‌رحال زندگی‌کردن در اروپا کار راحتی نیست». اما ارژنگ امیرفضلی جزو اغلب آنهایی است که شغل اصلی‌اش را نتوانسته پی بگیرد یا حتی مانند برخی شغل مرتبط مانند آموزش و مد لباس و ... را پیشه سازد، با اشاره به تورم غالب بر کشورهای غربی از جمله کانادا، بر این موضوع که «اینجا نمی‌توانم وسیله شخصی داشته باشم و ماهانه باید صد دلار هزینه ایاب و ذهاب کنم» تصریح می‌کند: «زندگی در تورنتو با دشواری‌های جدی همراه است».

امیرفضلی ضمن تأکید بر این‌که خیابان‌های اینجا مانند ایران است، بعضی چهره شادی دارند و بعضی غمگینند، می‌افزاید: «از صبح تا حوالی ۶ بعدازظهر کار می‌کنم و ماهانه ۳۰۰۰ دلار درآمد دارم که اگر بخواهم خانه‌ای دوخوابه اجاره کنم تمام ۳۰۰۰ دلار را باید برای اجاره بپردازم. یک خانه تک‌خوابه در مکان معمولی شهر، ۲۴۰۰ دلار اجاره دارد». خلاصه این‌که مطابق واقعیت‌های موجود، هنرمندان مهاجر نه‌فقط در حرفه خود توقیفی ندارند و غالباً مانند فریزر عرب‌نیا در کار رانندگی جابه‌جایی بیماران هستند، بلکه با مشاغل دیگر نیز روزگار به‌سختی می‌گذرانند. لذا متولیان فرهنگی کشور در زمینه درک و مراقبت از هنرمندان، وظیفه‌ای خطیر دارند و خصوصاً بر عهده رسانه‌های کشور است که در این راستا اطلاع‌رسانی مستمر پیشه کنند تا شاید هنرمندان بعد از این، به‌ویژه جوانان را در برابر سراب پرزرق و برق اما غالباً کاذب جوامع فرنگی، مصون سازند.

مرحوم عباس کیارستمی در پاسخ این‌که چرا مهاجرت نمی‌کند، ابراز داشته بود که درخت ثمر در صورت جابه‌جایی بار نخواهد داد (نقل به مضمون). این واقعیتی تاریخی و تجربه‌شده است که اگر هم چنین درختانی میوه بدهند، توان رقابت با محصولات تروتازه و خوشمزه و آبدار را نخواهند داشت و نهایتاً میوه این درختان پایین‌ترین درجه کیفی را به خود اختصاص خواهند داد. کیارستمی مطابق هوش و استعداد ابداع زائر خاص سینمایی‌اش، دوراندیشی لازم در حفظ و حراست از سرمایه هنری خود را هم داشت اما متأسفانه بسیاری از این هوش برخوردار نیستند تا آنجا که طی ادوار مختلف شاهد قربانی‌شدن خیل هنرمندانی بوده‌ایم که فریب سراب کهنه اروپا و آمریکا و کلا پدیده مهاجرت را خورده‌اند. مهاجرت هنرمندان نیز مانند بقیه اقشار جامعه به دوره‌ای خاص تعلق ندارد اگرچه در برخی ادوار شیوع آن چشم‌گیرتر بوده است. بعضاً هنرمندانی بوده‌اند که پس از سفر، خیلی زود خود را جمع‌وجور کرده و به خاستگاه خود بازگشته‌اند. اما غالباً به سیاق قماربازانی هستند که پس از باخت به امید برد متعاقب، باخت را تا به ورطه نابودی افتادن، ادامه می‌دهند.

قبل از انقلاب هم سینماگرانی پس از اوج‌گرفتن در میهن خود، راه غرب را در پیش گرفتند. مثلاً مرحوم سهراب شهید ثالث که اینجا ارتقا یافت ولی در آنجا به هر دری زد دیگر نتوانست موقعیت قبلی را تکرار کند و تا آخر عمر از اعتبار فیلم «طبیعت بی‌جان» خرج می‌کرد، همچنان‌که امیر نادری با فیلم «دونده» سری در میان سرها درآورد اما طی اقامتش در آمریکا هر چه ساخت دیگر به زانوی دونده هم نرسیدند. متأسفانه بعدی‌ها از تجربه شکست قبلی‌ها درس نگرفتند از جمله محسن مخملباف، بهمن قبادی و ... و در عرصه بازیگری نیز ستاره سینمای وقت، یعنی بهروز وثوقی فقط توانست در چند نقش فرعی سینمای اروپا حضور پیدا کند و مثلاً کاراکتریک تروریست را در فیلمی آلمانی ایفا کرد، بنابراین کمتر هنرپیشه‌ای موفقیت کشور خودمان را کسب کرد، چرا که سینما با بقیه هنرها مثلاً موسیقی، عکاسی، نقاشی و ... تفاوت ماهوی دارد. ولی سراب مهاجرت همچنان کار می‌کند و پیشنهادها و وعده‌های بی‌اساس و پوشالی برخی افراد و جریان‌ات با اعضا و دلالان سازمان‌های سیاسی در کار فریب هنرمندان فاعلند و هرازگاهی قلاب‌شان یکی از چهره‌های شاخص و موفق را به دام می‌اندازد. از جمله